



Article Type: Research paper

China's Strategic Policy to Expand its Sphere of Influence in Central Asia

*Hamid Dorj

PhD student in International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.

Article Info.

Received: 02/10/2024

Accepted: 07/02/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

China, Central Asia, Xinjiang, national interests, rational choice.

* Corresponding Author:

Hamid Dorj

Address: PhD student in International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.

E-mail:

Hamid.dorj.guilan.ac.ir

Abstract

The Central Asian region is one of the regions with which China has had close relations since ancient times. The collapse of the Soviet Union in 1991 and the opening of the Central Asian space provided a favorable environment for the re-establishment of ties between China and the republics of the region. In addition to geopolitical proximity, Beijing has put the continuation and expansion of relations with the countries of Central Asia and its increasing presence, especially in the energy equation of the region, on the agenda, and it is trying to develop influence in the layers of power in Central Asia, which helps For China to become the first power in the future of the region, it can provide the necessary grounds for the expansion of Beijing's power in the international arena. Thus, the main question of the present article is what policy has China taken to expand its sphere of influence in Central Asia? The hypothesis of the research is that China is trying to strengthen its presence and expand interactions, especially economic and energy, with Central Asian countries, to achieve goals such as; Access to energy resources, economic growth and development, creation of import markets and overcoming regional security challenges can be achieved, which can greatly contribute to increasing Beijing's sphere of influence in Central Asia.

How to Site:

dorj, H. (2025). China's Strategic Policy to Expand its Sphere of Influence in Central Asia. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(3), 202-234.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

سیاست استراتژیک چین برای گسترش قلمرو نفوذ در آسیای مرکزی

* حمید درج

دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۱ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۹ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۴

چکیده

چین از دیرباز دارای روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با منطقه آسیای مرکزی بوده است. همسایگی بلافصل چین با منطقه آسیای مرکزی، برخورداری این منطقه از انرژی، بازار تجاری بکر و نیز وجود قوم‌های مختلف در آسیای مرکزی، ظرفیت‌ها و فرصت‌های مناسبی را برای نفوذ و حضور گسترده چین در منطقه فراهم کرده است که این امر باعث توسعه روابط پکن با کشورهای آسیای مرکزی شده است. بدین ترتیب، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چین برای گسترش قلمرو نفوذ در آسیای مرکزی چه سیاستی را در پیش گرفته است؟ فرضیه پژوهش این است که چین در تلاش است تا با تقویت حضور و گسترش تعاملات به‌ویژه اقتصادی و انرژی با کشورهای آسیای مرکزی به اهدافی همچون دسترسی به منابع انرژی، رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد بازارهای وارداتی و فائق آمدن بر چالش‌های امنیت منطقه‌ای دست یابد که این موضوع می‌تواند کمک شایانی به افزایش نفوذ پکن در لایه‌های قدرت در آسیای مرکزی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چین درصدد است تا با توسعه قلمرو نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود در آسیای مرکزی به اهداف سیاست خارجی و منافع اقتصادی، انرژی و امنیتی خود جامه عمل بپوشاند و از این طریق، ضمن فراهم کردن بسترهای لازم برای تثبیت هژمونی منطقه‌ای پکن در آسیای مرکزی، زمینه‌های افزایش قدرت و جایگاه بین‌المللی چین را فراهم کند. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها:

چین، آسیای مرکزی،
سین کیانگ، منافع ملی،
گزینه‌های عقلایی.

* نویسنده مسئول:

حمید درج

نشانی: دانش آموخته دکتری روابط
بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
پست الکترونیک:

Hamid.dorj.guilan.ac.ir

استناد به این مقاله:

درج، حمید. (۱۴۰۴). سیاست استراتژیک چین برای گسترش قلمروی نفوذ در آسیای مرکزی. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۳(۳)، ۲۰۲-۲۳۴.

۱. مقدمه

هم‌زمان با رشد و توسعه اقتصادی چین در چهار دهه اخیر، توجه این کشور در عرصه بین‌المللی نیز بیش از گذشته به ظرفیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی مناطق گوناگون جلب شده است که در این میان، جایگاه مناطق مجاور و همسایه‌ای مانند آسیای مرکزی به مراتب برجسته‌تر بوده است. این اهمیت به این سبب است که دیپلماسی اقتصادی، به‌مثابه رویکرد چین برای پیشبرد و حفظ مسیر توسعه، از دالان مناطقی می‌گذرد که به لحاظ اقتصادی ظرفیت‌های ویژه‌ای دارند. زمینه‌های حضور فعالانه چین در این منطقه پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال دولت‌های منطقه فراهم شد. علاوه بر همجواری ژئوپلیتیک، پکن تداوم و گسترش مناسبات با کشورهای آسیای مرکزی و حضور روزافزون به‌ویژه در معادلات انرژی منطقه را در دستور کار قرار داده است و درصدد توسعه نفوذ در لایه‌های قدرت در آسیای مرکزی برآمده است که این مسئله ضمن کمک به چین برای تبدیل شدن به قدرت اول آینده منطقه می‌تواند زمینه‌های لازم برای گسترش قدرت پکن در صحنه بین‌المللی را فراهم کند. همسایگی این منطقه با مرزهای غربی چین، منابع غنی انرژی، بازار مصرفی منطقه، نیازمندی منطقه به جذب سرمایه‌گذاری خارجی، فعالیت اوغورها در منطقه و موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی که امکان برقراری ارتباط با اوراسیا، خاورمیانه و اروپا را برای چین فراهم می‌کند؛ از جمله جاذبه‌هایی هستند که توجه پکن به این منطقه را افزایش داده است. این فرصت‌ها می‌تواند به گسترش نفوذ فزاینده چین به‌ویژه نفوذ اقتصادی و همچنین حضور گسترده پکن در میداين انرژی منطقه کمک شایانی کند. چین برای تأمین انرژی مورد نیاز صنایع رو به رشد خود و سرعت بخشیدن به فرایند رشد و توسعه به تضمین امنیت انرژی نیاز روزافزون دارد و در این رابطه، آسیای مرکزی به دلیل همجواری و دسترسی آسان به انرژی آن دارای ارزش استراتژیک در سیاست خارجی چین است که این امر باعث شده شرکت‌های چینی به‌طور گسترده در میداين نفت و گاز این کشورها به فعالیت مشغول شوند.

از سویی، با توجه به همسایگی استان خودمختار سین‌کیانگ با آسیای مرکزی و مشکلات امنیتی و چالش‌های چین در این استان، مقامات پکن در تلاش هستند تا با سرعت بخشیدن به فرایند رشد و توسعه مناطق غربی چین از دغدغه‌ها و نگرانی‌های امنیتی در این منطقه بکاهند. در این رابطه، پکن اقدام به برقراری روابط دو جانبه و چندجانبه امنیتی و دفاعی با کشورهای منطقه کرده است که این امر می‌تواند کمک شایانی به تأمین امنیت منطقه و نیز تضمین ثبات داخلی

چین به‌ویژه مناطق غربی این کشور کند. از دید پکن، سازمان همکاری شانگهای سازوکار خوبی است تا ضمن جلوگیری از گسترش جنبش جدایی‌خواهی اویغورها، زمینه دسترسی به منابع انرژی منطقه را آسان‌تر کند و با گسترش همکاری‌های اقتصادی، جای پای چین را در آسیای مرکزی محکم‌تر کند که این امر می‌تواند زمینه هژمونی منطقه‌ای چین و توسعه قدرت بین‌المللی آن را فراهم کند. از این رو، سؤال اصلی پژوهش این است که چین برای گسترش قلمرو نفوذ در آسیای مرکزی چه سیاستی را در پیش گرفته است؟ فرضیه پژوهش این است که چین در تلاش است تا با تقویت حضور و گسترش تعاملات به‌ویژه اقتصادی و انرژی با کشورهای آسیای مرکزی به اهدافی همچون دسترسی به منابع انرژی، رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد بازارهای وارداتی و فائق آمدن بر چالش‌های امنیت منطقه‌ای دست یابد که این موضوع می‌تواند کمک شایانی به افزایش نفوذ پکن در لایه‌های قدرت در آسیای مرکزی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ چین درصدد است تا با توسعه قلمرو نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود در آسیای مرکزی به اهداف سیاست خارجی و منافع اقتصادی، انرژی و امنیتی خود جامه عمل بپوشاند و از این طریق، ضمن فراهم کردن بسترهای لازم برای تثبیت هژمونی منطقه‌ای پکن در آسیای مرکزی، زمینه‌های افزایش قدرت و جایگاه بین‌المللی چین را فراهم کند. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. روش پژوهش حاضر کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است و تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق نیز بر مبنای نظریه‌گزینش عقلایی شکل گرفته است.

۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

درباره سیاست‌ها و اقدامات چین در آسیای مرکزی پژوهش‌های زیادی به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده است که در ادامه صرفاً به بررسی چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، اشاره می‌شود.

۱- مکرمی‌پور (Makramipour et al., 2022) در مقاله‌ای با نام «تجزیه و تحلیل سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی با استفاده از رویکرد قدرت نرم» بیان می‌کند که چین در راستای منافع ملی خود و ارائه تصویری مطلوب از خود در میان کشورهای آسیای مرکزی، از دیپلماسی عمومی، به‌عنوان ابزار مهم قدرت نرم، در سیاست خارجی استفاده کرده است تا به اهدافی همچون ایجاد فضای امن و صلح‌آمیز در منطقه، تأمین نیازهای فزاینده انرژی خود

و محدود کردن سلطه سایر بازیگران قدرتمند در منطقه دست یابد. نقطه قوت مقاله بحث در زمینه حضور چین در بازار انرژی آسیای مرکزی است و نقطه ضعف آن نیز پرداختن به مناسبات امنیتی-دفاعی چین با کشورهای منطقه است که مقاله حاضر تلاش دارد آن را نیز برجسته کند.

۲- عزیزی (Azizi, 2016) در کتابی با عنوان «چین و آسیای مرکزی: نفوذ منطقه‌ای و هژمونی بین‌المللی» اذعان می‌کند که چین توسعه قدرت نرم و تحکیم پیوندهای فرهنگی با منطقه را به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز برای افزایش نفوذ منطقه‌ای و ارتقای هژمونی بین‌المللی خود در اولویت قرار داده است. نقطه برجسته مقاله پرداختن به بحث تأثیرگذاری ابعاد نرم قدرت در روابط چین و کشورهای آسیای مرکزی است، ولی پرداختن به بحث همکاری‌های نظامی و امنیتی طرفین و فعالیت‌های چین در صنایع و زیرساخت‌های انرژی منطقه از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود که پژوهش حاضر درصدد واکاوی ابعاد آن است.

۳- بالی^۱ و آرورا^۲ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای^۳ روابط چندجانبه چین و آسیای مرکزی را با استفاده از نظریه وابستگی بررسی کرده‌اند. نویسنده در پاسخ به این سوال که آیا حضور چین برای آسیای مرکزی توسعه پایدار می‌آورد یا وابستگی را افزایش می‌دهد، به این نتیجه می‌رسد که حضور چین مستلزم تعریف مجدد «وضعیت موجود، حاکمیت و توسعه» فراتر از تعامل و همکاری اقتصادی است. نقطه برجسته مقاله پرداختن به مناسبات اقتصادی و انرژی چین با کشورهای آسیای مرکزی است. نقطه ضعف آن نیز پرداختن به مناسبات و همکاری‌های امنیتی و دفاعی یکن با کشورهای این منطقه است؛ موضوعی که بحث پژوهش حاضر را نیز شامل می‌شود.

۴- عبدوباتتووا^۴ (۲۰۲۰) در کتابی^۵ ابعاد ابتکار یک کمربند- یک جاده در آسیای مرکزی را با تکیه بر قدرت نرم چین مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در ادامه بیان می‌کند که در حال حاضر یک نوع همگرایی سودآور در منافع استراتژیک چین و روسیه وجود دارد و به نظر می‌رسد دو ابتکار اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسط روسیه و یک کمربند-یک جاده چین بیشتر مکمل هم هستند تا مخالف یکدیگر. نویسنده مقاله از پرداختن به همکاری‌های امنیتی ایران

1. Bali

2. Arora

4. Abdoubaetova

۳. «روابط چین و آسیای مرکزی: اختلال، وابستگی یا توسعه؟».

5. «ابتکار یک کمربند- یک جاده چین در آسیای مرکزی: جاه‌طلبی‌ها، خطرات و واقعیت‌ها».

و چین و دولت‌های آسیای مرکزی و مبارزه آن‌ها با تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی غفلت کرده است؛ امری که موضوع مورد بحث پژوهش حاضر نیز هست.

۵- ریوز^۶ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای^۷ استدلال می‌کند که ابتکار یک کمر بند-یک جاده شکل نوینی از الگوهای قبلی سیاست خارجی چین برای نفوذ در آسیای مرکزی است که به طور خلاقانه تعاملات چین با آسیای مرکزی را سازمان‌دهی می‌کند. نقطه قوت مقاله پرداختن به تأثیرگذاری ابعاد قدرت نرم در توسعه مناسبات اقتصادی و انرژی چین با کشورهای آسیای مرکزی است و نقطه ضعف آن پرداختن به جنبه‌های سخت قدرت و همکاری‌های نظامی پکن با کشورهای این منطقه است که موضوع بحث این پژوهش نیز هست.

۳. چهارچوب نظری: گزینش عقلایی

نظریه گزینش عقلایی، بازیگران سیاسی را به‌عنوان واحدهای تحلیلی در نظر می‌گیرد که رفتارهایشان را به شیوه عقلانی تنظیم می‌کنند. در این رهیافت، فرض بر این است که رفتار و تصمیمات بازیگران بر اساس شرایط محیطی، محدودیت‌های ساختاری ارزش‌ها، انتظارات و امکانات مادی شکل می‌گیرد و بازیگران در قالب این چهارچوب‌ها و محدودیت‌ها درصدد به حداکثر رساندن سود خود هستند. مطابق این نظریه، فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آن‌ها مبتنی بر شناختی است که تحت شرایط خاصی از مؤثرترین وسایل برای نیل به اهداف خود برخوردارند. در جهانی که منابع کمیاب است؛ لازم است پیوسته وسایل مختلف برای رسیدن به اهداف مختلف و نیز انتخاب بین آن‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. (Farhadi, 2017: 101-102) نظریه انتخاب عقلانی در اصل محصول تلاش در راستای الگوسازی برای رفتار سیاسی بر پایه این مفروضه ساده است که افراد موجوداتی عاقل هستند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی هنگام رویارویی با هر انتخاب ممکن، سود و زیان گزینه‌ها را می‌سنجند؛ سپس گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که به احتمال زیاد در برگیرنده بیشترین نفع مادی است. آن‌ها عقلانی رفتار می‌کنند و می‌کوشند سود خالص خود را به حداکثر برسانند، بدون آنکه توجه کافی یا حتی توجهی به پیامدهای رفتار خود برای دیگران داشته باشند. (Hay, 2002: 87)

6. Reeves

۷. «ابتکار اقتصادی کمر بند- جاده ابریشم چین: شکل‌گیری شبکه و نفوذ در آسیای مرکزی».

از آنجا که رجحان و اولویت دولت‌ها در عرصه مناسبات بین‌المللی تأمین منافع و اهداف خود بوده و در چنین کارزاری از همه ابزارها، سازوکارها و توانمندی‌های موجود بهره می‌برند تا به منافع حداکثری دست یابند؛ منافع مهم‌ترین موضوعی است که انتخاب الگوی الگوهای تعامل دولت‌ها را چینش می‌کند. (Monroe, 2001: 164) بر اساس مفروضات نظریه گزینش عقلایی می‌توان گفت که حکومت‌ها یا تصمیم‌گیران، از میان بدیل‌های ممکن، سیاست‌هایی را انتخاب می‌کنند که پیگیری آن حداکثر فایده و حداقل هزینه را برای آن‌ها در پی داشته باشد و هزینه‌ها بیشتر از فایده نباشد. در این راستا، می‌توان گفت مجاورت جغرافیایی چین با آسیای مرکزی، منابع انرژی موجود در آسیای مرکزی و دسترسی آسان چین به انرژی این منطقه نسبت به دیگر مناطق، بازار مصرفی آسیای مرکزی و نیاز این منطقه به سرمایه‌گذاری خارجی، موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی به‌عنوان پل ارتباطی شرق و غرب، نیاز پکن به تأمین امنیت در آسیای مرکزی و ایجاد و تضمین ثبات در مرزهای غربی خود و خلأ قدرت پیش‌آمده در آسیای مرکزی ناشی از تغییر در اولویت سیاست خارجی آمریکا و تمرکز واشنگتن بر تحولات شرق آسیا و ... از جمله فرصت‌هایی است که منطقه آسیای مرکزی می‌تواند در اختیار چین قرار دهد و حداکثر منافع را برای پکن در پی داشته باشد. بنابراین چین برای برخورداری از این مزایا و فرصت‌ها در تلاش برای گسترش حضور خود در معادلات انرژی منطقه و نیز برقراری پیوندهای نظامی - امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی برآمده است که این امر ضمن تأمین منافع اقتصادی و امنیتی این کشور می‌تواند کمک شایانی به تبدیل شدن پکن به قدرت اول آینده منطقه و افزایش قدرت بین‌المللی آن کند.

۳-۱. اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی برای چین

آسیای مرکزی یا آسیای میانه، منطقه‌ای متشکل از پنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان است. از جنبه تقسیمات سیاسی، منطقه آسیای مرکزی از شمال با روسیه، از غرب با دریای خزر، از جنوب با ایران و افغانستان و از شرق و جنوب شرقی با چین همسایه است. مساحت این منطقه حدود ۴'۰۳'۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن بالغ بر ۷۳'۴۶۸'۳۲۶ نفر است. آسیای مرکزی سرزمینی پهناور، پوشیده از استپ‌ها و نواحی کوهستانی در شرق و جنوب آن و سرشار از هیدروکربن است. چین با سه کشور آسیای مرکزی مرز مشترک دارد که هر سه کشور با منطقه تاریخی خود مختار اویغور سین کیان پیوند دارند. (Batsaikhan, 2017: 304) این کشور ۱۵۳۳ کیلومتر با قزاقستان، ۸۵۸ کیلومتر قرقیزستان و ۴۱۴ کیلومتر با تاجیکستان

مرز مشترک دارد. در مسیر زمینی، چین از طریق هفت گذرگاه مرزی با قزاقستان، دو گذرگاه مرزی با قرقیزستان و یک گذرگاه مرزی با تاجیکستان مرتبط است. (Azizi, 2016: 137)



نقشه ۱. موقعیت راهبردی آسیای مرکزی و قفقاز (Simbar And Rezapour, 2020: 143)

منطقه آسیای مرکزی از دو منظر «جغرافیای استراتژیک» و «منابع طبیعی» برای چین اهمیت ویژه‌ای دارد. این منطقه با توجه به نزدیکی به چین و موقعیت استراتژیک بین دو قدرت بزرگ روسیه و چین و گذرگاهی به خلیج فارس و اروپا، نقشی حیاتی در طرح‌های یکپارچه‌سازی اقتصادی جهانی چین، که در طرح «یک کمربند-یک جاده» منعکس شده است، ایفاء می‌کند. چین که اخیراً به وسیله طرح یک کمربند-یک جاده تقویت شده است؛ به یک بازیگر اصلی تجاری در آسیای مرکزی تبدیل شده است. چین مشارکت‌های استراتژیک و همه‌جانبه، معاهدات دوستی و همکاری را تحت ابتکار یک کمربند-یک جاده با هر پنج کشور ایجاد کرده است. (Klycheva, 2025: 156) چین، آسیای مرکزی را منطقه مهمی می‌داند که می‌تواند رشد اقتصادی آن را از راه مسیرهای تجاری توسعه دهد و نیاز چین به منابع هیدروکربنی را تأمین کند. به علاوه، ثبات و توسعه اقتصادی دولت‌های همسایه در آسیای مرکزی به‌عنوان پیش‌نیاز مهم برای تضمین ثبات و امنیت در مناطق غربی چین محسوب می‌شود. (Kaveh Et al., 2021a: 84) علاوه بر این، آسیای مرکزی به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی برای پکن برای برقراری ارتباط با اروپا از طریق شبکه‌های راه‌آهن و

خط لوله گاز جدید عمل می‌کند. از نمونه‌های قابل توجه این پروژه‌های فراملی می‌توان به خط آهن قرقیزستان-ازبکستان-چین و خط لوله گاز قزاقستان-ترکمنستان-چین اشاره کرد. منطقه آسیای مرکزی به لحاظ منابع انرژی از جمله نفت و گاز غنی است. برآوردها حاکی از این است که این منطقه دارای حدود ۶۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت است. به علت این ذخایر عظیم، چین در کنار دیگر قدرت‌ها از جمله روسیه علاقه زیادی به این منطقه دارد. مکیندر این منطقه را «قلب جهان» و برژینسکی «چاله سیاه» قدرت یا بالکان اوراسیای مرکزی خوانده‌اند. (Arghwani Pirsalami And Alipour, 2022: 40) از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی نوین این کشور، که یکی از بنیان‌های آن مدل «سرمایه‌گذاری در خارج» است، لزوم حضور شرکت‌های چینی در خارج از این کشور را ضروری کرده است. منطقه آسیای مرکزی می‌تواند مکان مناسبی برای حضور این شرکت‌ها باشد تا ضمن دستیابی به توان رقابتی بتوانند در بازارهای جهانی حضور بیشتری داشته باشند. (Aghaei And Garhami, 2019: 299) در واقع، آسیای مرکزی منطقه‌ای است که چین یکی از بازیگران مهم در آن محسوب می‌شود. مهم‌تر از همه این‌که آسیای مرکزی را می‌توان به دلیل قرار گرفتن در میانه کمربند اقتصادی راه ابریشم، اصلی‌ترین بخش ابتکار راه ابریشم زمینی چین به شمار آورد. چین در صورتی که بخواهد حضور و نفوذ خود در مناطق مختلف و در نتیجه، قدرت و جایگاه خود در نظام بین‌الملل را افزایش دهد؛ آسیای مرکزی ضمن تأمین منابع لازم می‌تواند دروازه این کشور به سایر مناطق جهان باشد بنابراین در رقابت بر سر منابع قدرت جهانی، آسیای مرکزی برای چین اهمیت زیادی دارد. از این رو، ابتکار «یک کمربند-یک جاده» مهم‌ترین نمود سیاست نوین چین در آسیای مرکزی است (Kaveh Et al., 2021a: 86-90) و الگوی تعاملات اقتصادی چین را از صرف واردات انرژی از این منطقه و صادرات کالا فراتر می‌برد و موجب حضور بیشتر شرکت‌های چینی در این کشورها خواهد شد.

۳-۲. سیاست خارجی چین نسبت به آسیای مرکزی: مبانی و اهداف

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و باز شدن فضای آسیای مرکزی، چین جزء اولین کشورهایی بود که استقلال آسیای مرکزی را به رسمیت شناخت و شروع به توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای تازه ظهوریافته آسیای مرکزی کرد. در ژانویه ۱۹۹۲، پکن شروع به ایجاد اتحاد دیپلماتیک خود با کشورهای آسیای مرکزی کرد و نفوذ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خود را در میان کشورهای جمهوری آسیای مرکزی گسترش داد. بلافاصله پس

از پیمان دوستی^۸ چین و روسیه در سال ۲۰۰۱، پکن در تلاش برای تبدیل شدن به یکی از بازیگران آسیای مرکزی از طریق توسعه مناسبات اقتصادی و سیاسی با کشورهای منطقه برآمد. (Bali And Arora, 2023: 416). دکتربین چین در قبال آسیای مرکزی را می‌توان دارای سه وجه عمده دانست: وجه نخست، ریشه در تاریخ چین دارد که همیشه آسیای مرکزی را خاکریز اول برای امنیت خود در مرزهای غربی تلقی کرده است. امکان بروز بی‌ثباتی در سین‌کیانگ همیشه دغدغه فکری دولتمردان چینی بوده است. هفت میلیون مسلمان این منطقه که عمدتاً ترک و اویغور هستند؛ بیش از هان‌های چینی به اقوام مسلمان آسیای مرکزی احساس نزدیکی می‌کنند. منطقه خودمختار و اویغورنشین سین‌کیانگ به شدت در برابر تمایلات جدایی طلبانه و تبلیغات ضدچینی آسیب‌پذیر است. وجه دوم یا بُعد اقتصادی دکتربین چین در قبال آسیای مرکزی شامل تلاش برای ایجاد منطقه آزاد آسیای مرکزی در جهت بهبود اقتصاد و امنیت چین است. پیشرفت اقتصادی آسیای مرکزی می‌تواند برای مناطق عقب‌مانده و دورافتاده چین که در جوار مرزهای این منطقه قرار دارند، جذاب و در عین حال خطرناک باشد. دولتمردان چین به‌ویژه پس از ناآرامی‌های میدان تیان‌آن‌من^۹ در سال ۱۹۸۹، به اهمیت سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصادی این مناطق پی بردند. رکن سوم دکتربین چین در قبال آسیای مرکزی از تمایل فزاینده این کشور به ایفای نقش در سیستم امنیت جهانی ناشی می‌شود. چین برای این‌که بتواند در صحنه جهانی حضوری مؤثر و پررنگ داشته باشد، باید نخست بتواند حرف خود را در منطقه آسیای مرکزی به کرسی بنشاند. (shah Mansouri And Shamiri, 2010: 79-80)

شی جین‌پینگ^{۱۰}، رئیس‌جمهور چین، ایده «یک کمر بند- یک جاده» را در سفر سپتامبر ۲۰۱۳ به قزاقستان مطرح کرد؛ زیرا آن کشور از بیشترین سطح توسعه در آسیای مرکزی برخوردار است. توسعه نفوذ چین در آسیای مرکزی و جنوبی یک گام مهم راهبردی و بخش قابل توجهی

۸. ولادیمیر پوتین و جیانگ زمین، رهبر وقت چین، پیمان «حسن همسایگی و همکاری دوستانه» را در ماه جولای سال ۲۰۰۱ میلادی در مسکو امضا کرد و در ماه مارس ۲۰۲۱ مسکو و پکن برای تمدید قرارداد برای پنج سال دیگر نیز توافق کردند. در این رابطه، دو کشور روسیه و چین در سازندگی خود و چگونگی رفتار با مردم کشور مقابل به تفاهماتی رسیده‌اند و ارتباطات نزدیکی با هم برقرار کرده‌اند. این رابطه اکنون به یک مشارکت استراتژیک تبدیل شده است. (Mehr News Agency, 2021: 2)

۹. در سال ۱۹۸۹، ارتش جمهوری خلق چین با گسیل تانک به خیابان‌های پکن و کشتار صدها معترض میدان تیان‌آن‌من، وفاداری محض خود به حزب کمونیست چین را نشان داد. ارتش همچنین در جریان بحران تیان‌آن‌من، به خواست حزب هفت ماه حومت نظامی در پکن برقرار کرد. کنگره ملی خلق چین نیز با وجود اختیاراتی که در قانون اساسی برای آن در نظر گرفته شده، عملاً تحت کنترل حزب قرار داشته و با تصمیمات خود به خواسته‌های آن مشروعیت می‌بخشد. به‌هم‌وابستگی، هماهنگی و تباین میان حزب، ارتش، کنگره و دولت، مبین فساد سیاسی گسترده در نظام سیاسی اقتدارگرای چین است. (Ganbarloo, 2013: 128)

10. Xi Jinping

از رویکرد نخبگان سیاسی در پکن است که هدف آن شکستن راهبرد مهار آمریکاست. ابتکار راه ابریشم، از عناصر مهم راهبرد «حرکت به سوی غرب» و صلح و امنیت راهبردی چین است. این ابتکار سازوکار مکملی برای تضمین تأمین انرژی برای اقتصاد چین و کاهش آسیب‌پذیری کشور در مقابل ایالات متحد و حفظ حاکمیت ملی است. (Amir Ahmadian, 2017: 19-20) چین اگرچه در برخی قضایا از جمله نفوذ در آسیای مرکزی با روسیه اختلاف دارد؛ با توجه به اتفاق نظر دو کشور در این‌که یکجانبه‌گرایی آمریکا تهدیدی جدی علیه امنیت ملی آن‌هاست، برای مقابله در برابر آن در قالب سازمان همکاری شانگهای با یکدیگر متحد شده و به صورت سدی هر چند نه‌چندان مطمئن در برابر مداخلات ائتلاف تحت رهبری آمریکا در امور کشورهای مخالف هژمونی آمریکا عمل می‌کنند (Kozegar Koleji, 2016: 378) و از این طریق به مخالفت با سلطه‌طلبی آمریکا و دفاع از نظم جهانی چندقطبی می‌پردازند. روسیه همیشه آسیای مرکزی و قفقاز را به‌عنوان حیاط خلوت و جزئی از منطقه نفوذ خود تلقی کرده و به شکلی به دنبال احیای نفوذ سابق خود در این منطقه است. این منطقه به لحاظ جایگاه تاریخی و هویتی، حوزه نفوذ سنتی روسیه در عرصه‌های امنیتی و اقتصادی تلقی می‌شود. روسیه به کنترل مسیرهای مهم صادراتی و بازار اقتصادی در این منطقه نظارت دارد؛ هر چند سرمایه‌گذاری و نفوذ اقتصادی چین تاحدی این نظارت را کاهش داده است. از طرف دیگر، تعامل اقتصادی چین با منطقه آسیای مرکزی به ایجاد ثبات و به‌ویژه ثبات اقتصادی در این منطقه کمک می‌کند. (Sheikhul-Isami And Ashrafi, 2023: 17) روسیه رُد پای تاریخی و فرهنگی عمیقی در هر پنج کشور به جای گذاشته است و روابط دیپلماتیک و امنیتی با همه را حفظ می‌کند. جنگ ۲۰۲۲ در اوکراین تمرکز روسیه را تغییر داده و در پیچه‌ای از فرصت را برای نفوذ چین در آسیای مرکزی باز کرده است. چین رویکردی استراتژیک در پیش گرفته و به آرامی نفوذ اقتصادی خود را در منطقه گسترش می‌دهد. در واقع، پس از تنش‌های ایجاد شده در روابط غرب و روسیه، مقامات مسکو بیشتر به سوی چین متمایل شده و دو کشور با هدف حفظ ثبات، مبارزه با افراط‌گرایی و مقابله با نفوذ غرب، به همکاری در آسیای مرکزی پرداخته‌اند.

بزرگ‌ترین هدف چین در آسیای مرکزی این است که مسیرهای انتقال انرژی مورد نیاز خود را امن و متنوع کند. نزدیکی و فراوانی منابع آسیای مرکزی، منطقه را به یک شریک تجاری کامل برای این کشور تبدیل کرده است. شواهد نشان می‌دهد که چین در حال

سرمایه‌گذاری روی نظام‌های تسلیحاتی دریایی است که می‌توانند مبنای نیرویی با توانایی قدرت‌نمایی برای تضمین امنیت خطوط ارتباطی حیاتی دریایی یا پهنه‌های ژئواستراتژیک مهم قرار گیرند. از این رو، با توجه به نقش و جایگاه آسیای مرکزی برای چین در راستای تأمین امنیت انرژی به‌عنوان زیربنای توسعه اقتصادی این کشور و همچنین طرح‌های کلان حوزه انرژی مانند ابتکار راه ابریشم در آسیای مرکزی، می‌توان زمینه‌های هژمونی منطقه‌ای چین در آسیای مرکزی را بهتر درک کرد. (Kaveh Et al.: 2021a: 92) به این ترتیب، سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی نمی‌تواند تنها انرژی محور باشد؛ بلکه تلاش برای حفظ ثبات سیاسی - قومی در ایالت ناآرام سین‌کیانگ، یکی از علت‌های عمده افزایش حضور چین در آسیای مرکزی است. (Serikkaliyeva, 2019: 75) جنبش‌های جدایی طلب در سین‌کیانگ طی سال‌های اخیر فعالانه و گاه به‌طور خشونت‌آمیز به دنبال کسب استقلال بوده‌اند. بدین ترتیب، ایجاد ثبات در مناطق غربی، ضامن امنیت انرژی افزایش توسعه اقتصادی در این مناطق است که در قالب طرح «توسعه مناطق غربی» تعریف شده است. چین همچنین در تلاش است تا با یافتن متحدانی، استراتژی مبارزه با سه نیروی اهریمنی در منطقه یعنی «تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی طلبی» را پیش ببرد. هنگامی که جیانگ زمین، رئیس‌جمهور وقت چین، در سال ۱۹۹۶ از ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان بازدید کرد؛ بر لزوم همکاری امنیتی میان کشورهای منطقه تأکید کرد. (Kolayi And Tishehyar, 2010: 130)

برای چین، علاوه بر مسائل امنیتی مرتبط، احتمال تسری افراط‌گرایی مذهبی از آسیای مرکزی به مناطق مسلمان‌نشین چین نیز وجود دارد. همچنین منافع اقتصادی چین در اوراسیای مرکزی باعث شده ممانعت از افزایش حضور آمریکا در این منطقه، به یکی از اهداف اصلی این کشور تبدیل شود. چین با حمایت از استقلال و حاکمیت ملی این کشورها، به‌ویژه از طریق سازمان همکاری شانگهای، توانسته علاوه بر جلب نظر مثبت دولتمردان آن‌ها، اهداف خود در منطقه را نیز پیگیری کند. حفظ و تأمین امنیت مرزها و جلوگیری از تسری ناآرامی‌ها به داخل خاک خود، از جمله دلایلی است که پکن را نیازمند حمایت از این کشورها کرده است. (Asgarkhani Et al., 2019: 163) در واقع، سیاستی که چین پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی نسبت به این منطقه در پیش گرفته؛ سیاستی محتاطانه مبتنی بر یک رویکرد واقع‌گرایانه است. در این چهارچوب، می‌توان گفت که چین در آن زمان به دلیل اولویت قائل شدن برای حل و فصل چالش‌های خود در منطقه آسیا-

پاسیفیک (تایوان و جزایر مورد مناقشه جنوبی) طرح خواسته‌ها و منافع خود در آسیای مرکزی را به زمانی مناسب‌تر موکول کرد. برخی تحلیلگران این منافع را در چهارچوب هشت مورد خلاصه می‌کنند: مبارزه با تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی، تأمین امنیت مناطق مرزی، حفظ ثبات منطقه، ترویج توسعه اقتصادی، تضمین روابط دوستانه کشورهای منطقه با چین، جلوگیری از کنترل انحصاری آسیای مرکزی توسط رقبای چین، جلوگیری از تشکیل پیمان‌های نظامی علیه چین و تضمین برای در دسترس بودن منابع انرژی موجود در منطقه برای چین. (Agha hasani, 2019: 6) به هر ترتیب، طی بیش از دو دهه از زمان فروپاشی شوروی، نه تنها احتیاط در طرح و پیگیری این خواسته‌ها تا حد زیادی از سوی چین کنار گذاشته شده، بلکه منطقه آسیای مرکزی برای پکن بیش از پیش اهمیت پیدا کرده و برخی جنبه‌های مهم راهبردی نیز به آن اضافه شده است. در واقع، پکن دیپلماسی فعالانه‌ای را برای افزایش نفوذ خود در آسیای مرکزی دنبال می‌کند. از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین، موافقت‌نامه‌های اقتصادی جدیدی بین چین و کشورهای آسیای مرکزی با تأکید بر زیرساخت‌های حیاتی جدید امضاء شده است. تجارت فزاینده چین با کشورهای آسیای مرکزی به نفوذ فزاینده پکن در منطقه اشاره دارد.

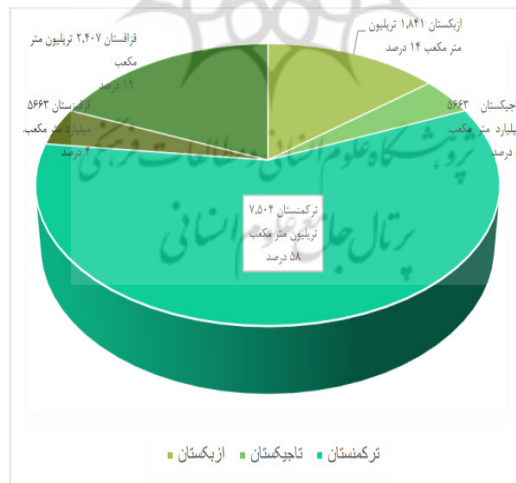
۳-۳. حضور چین در میادین نفت و گاز آسیای مرکزی

روند صنعتی شدن سریع چین در دهه‌های گذشته، شرایط کمبود انرژی ناشی از تقاضا را ایجاد کرده است. بنابراین دولت چین به منظور حفظ رشد اقتصادی و کسب اعتبار در داخل کشور، مجبور شده که از خارج از مرزهای ملی خود به منابع انرژی دسترسی پیدا کند. اعتقاد بر این است که اطمینان از تأمین انرژی پایدار از آسیای مرکزی به‌عنوان جایگزینی برای تأمین آن از خاورمیانه عمل خواهد کرد و مسیر جدید انتقال انرژی ابریشم، آسیای مرکزی را به یکی دیگر از مراکز انرژی جهان تبدیل خواهد کرد. (Spornberger et al., 2016: 78) شایان ذکر است که علاوه بر اهمیت تأمین امنیت انرژی در تداوم رشد و توسعه اقتصادی چین، سرمایه‌گذاری چین در بخش انرژی این کشورها برای افزایش حضور خود بوده و به‌عنوان ابزاری برای بهبود امنیت ملی آن کشور و همچنین به نفع مسائل امنیتی منطقه‌ای است. (Kaveh et al., 2021b: 144) به همین خاطر، چین در اندک زمانی به مهم‌ترین بازیگر در معادلات انرژی آسیای مرکزی تبدیل شده و توانسته با سرمایه‌گذاری‌های گسترده، بخش مهمی از منابع انرژی منطقه را به سوی بازار مصرف خود، که بزرگ‌ترین بازار بزرگ مصرف

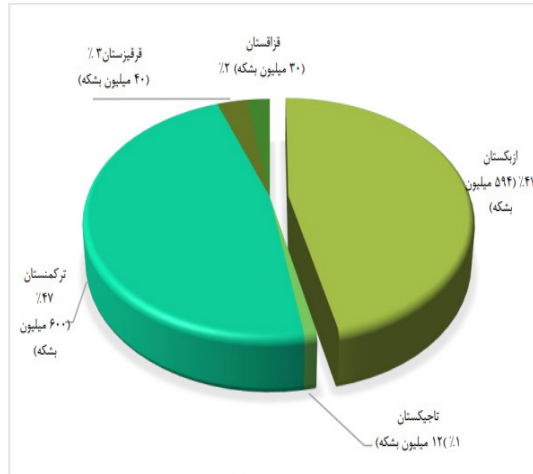
در جهان است، سوق دهد. استراتژی انرژی چین در جهت آسیای مرکزی عمدتاً دارای سه بُعد است. نخست، ایجاد روابط طولانی مدت انرژی با منطقه از طریق ادغام اقتصادی و توسعه روابط تجاری؛ دوم، ساخت خط لوله‌های مستقیم حامل نفت و گاز از کشورهای تولیدکننده در منطقه به چین و سوم، کاهش نقش کشورهای فرامنطقه‌ای پراشتها در دولت‌های آسیای مرکزی است. (Amir Ahmadian And Salehi Dolatabad, 2014: 13-16) نکته اساسی این‌که بیش از ۸۰ درصد از نفت و گاز وارداتی چین تا انتهای دهه ۱۹۹۰ میلادی از منطقه خاورمیانه و توسط نفتکش‌ها تأمین می‌شد که با عبور از دو «تنگه هرمز» در خلیج فارس و «تنگه مالاکا» در جنوب شرقی آسیا به بنادر جنوبی و جنوب شرقی چین وارد می‌شدند. علاوه بر هزینه بسیار بالای این نحوه انتقال انرژی به‌ویژه با توجه به رشد روزافزون اقتصاد چین، موضوع تأمین امنیت نفتکش‌ها در عبور از دو تنگه هرمز و مالاکا، احتمال استفاده قدرت‌های بزرگ از این عامل به‌عنوان اهرم فشار علیه چین و نیز نبود زیرساخت‌های داخلی لازم برای انتقال انرژی وارداتی از جنوب شرق چین به مناطق شمال غربی به‌ویژه منطقه سین‌کیانگ موجب شد دولت این کشور درصدد احداث خطوط انتقال نفت و گاز برای تأمین انرژی برآید. به همین دلیل با تصویب «استراتژی حرکت به سمت غرب» در شانزدهمین کنگره حزب کمونیست در نوامبر ۲۰۰۲ میلادی، روند جدیدی در سیاست انرژی چین شکل گرفت و فدراسیون روسیه و منطقه آسیای مرکزی به دلیل قرابت جغرافیایی به‌ویژه با مناطق شمال غربی چین، برخوردار از منابع غنی انرژی و روابط سیاسی مطلوب و باثبات در دستور کار رهبران چین قرار گرفت. پیرو این تحولات، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای از سوی چینی‌ها در زمینه احداث خطوط انتقال نفت و گاز روسیه و منطقه آسیای مرکزی صورت گرفت. (Kozegar Koleji, 2016: 117)

چین به تأمین‌کنندگان نفت مستقر در خشکی برای تنوع بخشیدن و افزایش امنیت انرژی خود چشم دوخته است. بنابراین کشورهای آسیای مرکزی، که غنی از منابع انرژی و محصور در خشکی هستند، در اولویت پکن هستند که این امر به دلیل مجاورت جغرافیایی و هزینه کم انتقال، منافع بسیاری برای چین نسبت به دیگر مناطق برای واردات انرژی دارد. (Abdoubayetova, 2020: 21) از سویی، تمایل کشورهای منطقه به کاهش وابستگی به خطوط انتقال نفت و گاز روسیه نیز موجب شده این کشورها از حضور چین در بخش انرژی خود استقبال کنند و همین امر، پتانسیل مناسبی برای چین فراهم کرده و راه این

کشور را در رسیدن به اهداف خود هموار کرده است. اما اهمیت موضوع دستیابی به منابع انرژی برای چین به ویژه زمانی آشکار می شود که توجه کنیم چین با برخورداری از حدود ۲۰ درصد جمعیت جهان، تنها حدود ۶ درصد از مواد خام جهان را در اختیار دارد. (Azizi, 2016: 75) بر اساس اعلام وزارت انرژی آمریکا، میزان تقاضای نفت چین به ۱۴ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۲۵ خواهد رسید. میزان تقاضای گاز طبیعی این کشور نیز طی ۲۰ سال آینده، سالانه ۱۵ درصد افزایش خواهد داشت و در سال ۲۰۳۰ به ۳۰۰ میلیارد متر مکعب و در سال ۲۰۵۰ به ۴۵۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. (Cao And Howe, 2024: 3) بنابراین به گونه ای روزافزون نیاز چین به واردات مواد خام تشدید می شود. این کشور بیشترین سرمایه گذاری ها را در کشورهای پیرامون خود، که برخوردار از منابع انرژی هستند، انجام داده است. از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، پکن میلیاردها دلار در پروژه های زیربنایی مربوط به انرژی و استحصال بخش انرژی منطقه سرمایه گذاری کرده است. برآورد می شود که آسیای میانه، ۲۰ درصد گاز مصرفی چین تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی را تأمین کرده و انتظار می رود که این مقدار سهم به دلیل تداوم توسعه خطوط لوله در این منطقه از جانب چین افزایش یابد. (Cooley, 2015: 7)



نمودار ۱. میزان ذخایر نفت در آسیای مرکزی



نمودار ۲. میزان ذخایر گاز در آسیای مرکزی (Jafari Ali Fallah, 2023: 208-209)

چین در آسیای مرکزی شبکه‌ای از خطوط لوله نفت و گاز ایجاد کرده که در عمل، ژئواکونومی منطقه را تغییر داده است. قزاقستان در سال ۱۹۹۷ میلادی، پیشنهاد ساخت یک خط لوله نفت به چین را برای گسترش بیشتر روابط بین دو کشور و بهره‌برداری از منابع طبیعی غنی قزاقستان داد. این خط لوله اولین خط لوله بین چین و هر کشور آسیای مرکزی بود. طی سال‌ها، چین ریشه‌های نفوذ خود را در قزاقستان گسترش داده و شرکت‌های بزرگ گاز دولتی قزاقستان را خریداری کرده و در استخراج منابع طبیعی خود سرمایه‌گذاری کرده است. (Klycheva, 2025: 161) طول این خط لوله ۲۲۰۰ کیلومتر است که بیش از ۲۰ میلیون تن نفت قزاقستان را به چین منتقل می‌کند و فازهای مختلف آن طی یک دهه اخیر به تدریج افتتاح شده است. (Kozegar Koleji, 2016: 117-118) در حال حاضر، شرکت‌های چینی بیش از یک چهارم تولید نفت خود را از قزاقستان وارد می‌کنند و مقامات پکن علاقه شدیدی به افزایش سطح واردات نفت از این کشور دارند. چین از طریق احداث خط لوله قزاقستان و کمک به تسریع رفاه و پیشرفت سین‌کیانگ کوشیده به تحقق اهداف راهبردی چون حفظ ثبات منطقه، جلوگیری از درگیری‌های قومی، حفظ تمامیت ارضی و ملاحظات سیاست خارجی دست یابد. (Abdou-baetova, 2020: 21) یکی از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت چین در قزاقستان، شرکت پترو قزاقستان است. این شرکت در زمینه خرید، اکتشاف، توسعه و تولید نفت و گاز به‌ویژه در

منابع کومکول در کیزیل^{۱۱} - اورد^{۱۲} در جنوب کشور و همچنین در زمینه فروش نفت و محصولات تصفیه شده فعالیت دارد. (Taliga, 2021: 11) در واقع، هدف چین از نزدیکی به کشورهای دارای انرژی آسیای میانه مانند قزاقستان، تلاش برای کاهش وابستگی به انرژی خاور میانه و تأمین امنیت عرضه انرژی برای خود است.

ترکمنستان دارای چهارمین ذخایر بزرگ گاز است که تقریباً ۱۰ درصد از ذخایر جهان را به خود اختصاص داده است. تقریباً نیمی از تولید گاز در داخل مصرف و بقیه به خارج از کشور صادر می‌شود. اولین محصول صادراتی ترکمنستان گاز طبیعی است که ۶۷/۸ درصد از کل صادرات ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. سایر صادرات قابل توجه شامل نفت تصفیه شده، کودهای نیتروژن دار، نفت خام، پنبه و گوگرد است. (World Bank, 2023: 4) خط لوله گاز آسیای مرکزی-چین، خط لوله بزرگی در ترکمنستان است که آن را به چین متصل می‌کند که از زمان افتتاح، ۸/۴ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی از ترکمنستان به چین تحویل داده است. (Zhang, 2021: 4) این خط لوله ۲۲۷۷ مایل طول دارد و شامل سه خط لوله است که از مرز ترکمنستان و ازبکستان تا خرگوس در نزدیکی مرز قزاقستان و چین در استان سین کیانگ کشیده شده و به خط لوله داخلی چین متصل می‌شود. تلاش‌های چین برای ارتقای توسعه خط لوله آسیای مرکزی-چین، یک حرکت ژئوپلیتیکی برای سرمایه‌گذاری در طرح یک کمر بند-یک جاده و دور شدن از روسیه تلقی می‌شود. چین در سال‌های اخیر روابط خود با ترکمنستان را بر روسیه ترجیح داده است. چین بزرگ‌ترین طلبکار ترکمنستان است که ۸ میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت‌های گاز طبیعی فراهم می‌کند. در کریدور چین - آسیای مرکزی - غرب آسیا دو مسیر از ازبکستان می‌گذرد. علاوه بر این، هر چهار کریدور خط لوله گاز چین - آسیای مرکزی از ازبکستان عبور می‌کند. (Black wood, 2023: 4)

۴-۳. تلاش چین برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای آسیای مرکزی

چین با اجرای یک برنامه ریزی جامع، بلندمدت و هدفمند تبدیل به قدرت برتر اقتصادی منطقه آسیای مرکزی شده است. حضور و نفوذ اقتصادی گسترده آن در منطقه آسیای مرکزی در سه حوزه مبادلات انرژی، مناسبات تجاری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی آسیای مرکزی، نقش

11. Kumkol

12. Kyzyl-Orda

مهمی در توسعه ضریب نفوذ اقتصادی این کشور در منطقه ایفاء کرده و به همان میزان فضا را برای ورود و نقش آفرینی بازیگرانی چون روسیه و ایران تنگ‌تر کرده است. برآیند این تحولات، یعنی خیزش و برتری چین در عرصه اقتصاد آسیای مرکزی موجب شده برخی تحلیل‌گران از «طرح مارشال چینی» از سوی پکن برای آسیای مرکزی سخن بگویند که یادآور طرح مارشال ایالات متحده آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم است. ترجمان این تعبیر نمادین و شبیه‌سازی تاریخی، توجه به یک روند و برنامه‌ریزی بلندمدت از سوی چینی‌ها برای خلق یک بازار توانمند برای خرید محصولات چینی، تأمین امنیت انرژی و افزایش ضریب نفوذ اقتصادی چین در منطقه آسیای مرکزی است که تصویر ژئواکونومیک این منطقه را به‌صورت قابل توجهی دستخوش تغییر و تحول کرده است (Kozegar Koleji, 2016: 124-125). قزاقستان بزرگ‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین کشور آسیای مرکزی است. این کشور نهمین کشور بزرگ جهان از نظر قلمرو و کشور شماره یک تولیدکننده اورانیوم در سطح جهان است. (Statista, 2022: 5) قزاقستان با تولید ۴۳ درصد اورانیوم جهانی در سال ۲۰۱۹، بزرگ‌ترین ذخایر اورانیوم جهان را دارد. (World Nuclear Association, 2023: 6) روابط اقتصادی قزاقستان و چین در ۱۰ سال گذشته به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. در سال ۲۰۲۱، قزاقستان به ارزش ۱۳/۹ میلیارد دلار کالا از چین وارد کرد که ۲۹/۳ درصد از کل واردات آن را به خود اختصاص داد و موقعیت چین را به‌عنوان دومین شریک تجاری قزاقستان پس از روسیه مستحکم کرد. بیشترین سهم کالاهای وارداتی قزاقستان از چین را کفش لاستیکی (۵/۵۹ درصد)، رایانه (۴/۳۶ درصد)، مانتوهای زنانه غیربافتنی (۳/۰۸ درصد)، اسباب‌بازی (۳/۰۷ درصد)، قطعات و لوازم جانبی وسایل نقلیه موتوری (۱/۹۳ درصد) و ... تشکیل می‌دهند. چین بزرگ‌ترین شریک صادراتی قزاقستان است که موجب تجارت ۱۰/۶ میلیارد دلاری کالا با چین در سال ۲۰۲۱ شد که ۱/۱ درصد از کل واردات چین را تشکیل می‌دهد. عمده‌ترین محصولات صادرشده از قزاقستان به چین عمدتاً شامل مواد خام مانند مس تصفیه‌شده (۲۲/۸ درصد)، نفت خام (۲۰/۳ درصد)، سنگ مس (۱۴/۶ درصد)، گاز نفت (۱۰/۴ درصد)، فروآلیاژها (۸/۷ درصد) و ... هستند. (Klycheva, 2025: 161)

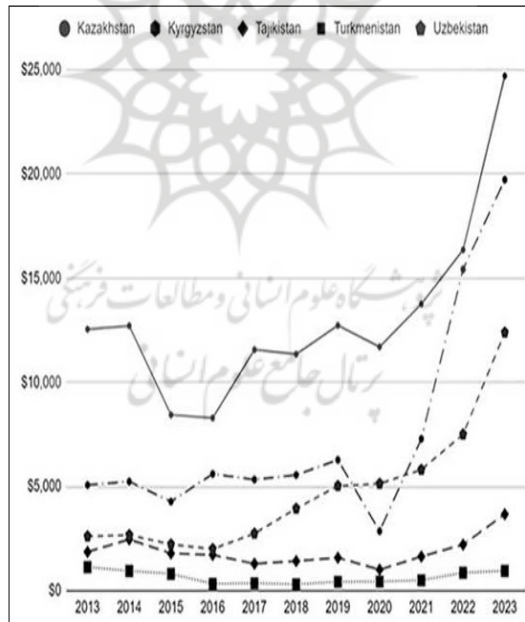
جمهوری قرقیزستان دیگر کشور آسیای مرکزی است که در حال حاضر، روابط این کشور با چین در بالاترین سطح خود از زمان استقلال قرقیزستان قرار دارد. قرقیزستان نیز مانند قزاقستان یکی از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و از تجارت آزاد در داخل کشورهای عضو برخوردار است. از زمان پیوستن به طرح یک کمربند-یک جاده، روابط اقتصادی چین و قرقیزستان

به‌طور قابل‌توجهی تقویت شده است. صادرات چین به قرقیزستان در سال ۲۰۲۱، بالغ بر ۶/۴۷ میلیارد دلار بوده است. محصولات اولیه صادرشده از چین به قرقیزستان کت‌های زنانه غیربافتنی (۷۲۰ میلیون دلار)، کت‌های غیربافتنی (۵۵۱ میلیون دلار) و ژاکت بافتنی (۴۸۸ میلیون دلار) بودند. طی ۲۶ سال گذشته، صادرات چین به قرقیزستان با نرخ سالانه ۱۷/۲ درصد رشد داشته است که از ۱۰۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۶/۴۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. قرقیزستان در سال ۲۰۲۱ کالاهایی به ارزش ۱۱۱ میلیون دلار به چین صادر کرد. عمده محصولات صادرشده طلا (۳۶/۸ میلیون دلار)، سنگ مس (۲۱ میلیون دلار) و تنباکو نوردشده (۱۶/۱ میلیون دلار) بود. (World Integrated Trade Solution, 2021: 4) چین و قرقیزستان یک معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه را در سال ۱۹۹۲ امضاء کردند که در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید. آن‌ها توافق‌نامه‌ای برای اجتناب از مالیات مضاعف و فرار مالیاتی امضاء کردند. هر دو کشور از سال ۱۹۹۲، عضو کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادسازی در آسیا و همچنین عضو سازمان همکاری شانگهای هستند. (China Briefing, 2021: 4) ساخت «یک کمربند-یک جاده» به اساسی‌ترین بستر برای همکاری عملی بین چین و قرقیزستان تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، چین سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی در زیرساخت‌های قرقیزستان انجام داده است. این کشور پیشنهاد ساخت خط آهنی را داده است که اندیجان در ازبکستان را از طریق قرقیزستان به کاشغر در چین متصل می‌کند. راه‌آهن پیشنهادی چین - قرقیزستان - ازبکستان به کوتاه کردن مسیر اروپا و افزایش نقش قرقیزستان و ازبکستان در طرح «یک کمربند-یک جاده» کمک می‌کند. (Silk Road Briefing, 2022: 5) علاوه بر این، قرقیزستان اخیراً به دنبال سرمایه‌گذاری چینی برای بازسازی پروژه‌های اصلی برق‌آبی خود بوده؛ اگرچه چین هنوز اظهار نظری نکرده است. (Shambetov, 2023: 4)

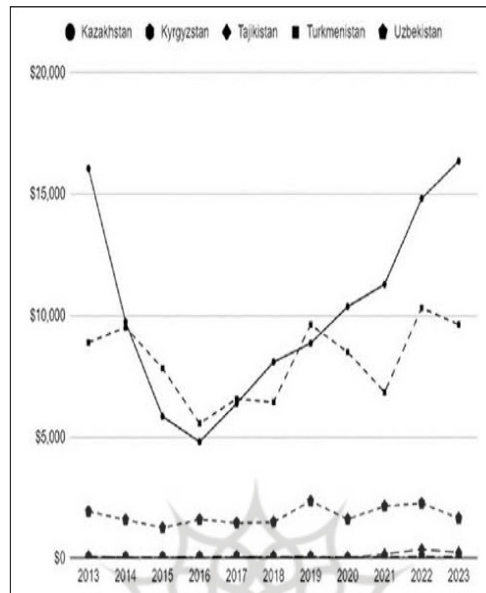
این ابتکارات به افزایش «قدرت نرم» چین در قرقیزستان کمک کرده است. در حال حاضر روابط دو کشور در بالاترین سطح خود از زمان استقلال قرقیزستان قرار دارد. در مه ۲۰۲۳، صدیر جپاروف^{۱۳}، رئیس‌جمهور قرقیزستان، برای اولین نشست سران آسیای مرکزی و چین، که بین چین و هر پنج کشور آسیای مرکزی برگزار شد، از چین بازدید کرد. هدف این اجلاس احیای طرح «یک کمربند-یک جاده» بود. تاجیکستان از دیگر کشورهای آسیای مرکزی است که روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای با چین دارد. کالاهای صادراتی اصلی تاجیکستان

13. Sadyr Japarov

شامل طلا، آلومینیوم خام، پنبه خام و سنگ روی است. صادرات اولیه تاجیکستان به چین طلا (۶/۷۴ درصد)، سایر سنگ معدن (۷۷/۵ درصد) و پنبه خام (۶۳/۴ درصد) است. در حال حاضر، واردات اولیه تاجیکستان از چین شامل کفش لاستیکی (۲۷/۵ درصد)، آهن نورد تخت روکش شده (۸۹/۴ درصد) و قطعات وسایل نقلیه موتوری (۴۶/۳ درصد) است. چندین پروژه راه آهن در تاجیکستان به عنوان بخشی از ابتکار یک کمربند-یک جاده در حال انجام است. راه آهن وایا، اولین راه آهنی است که از وحدت، در ۲۰ کیلومتری شرق دوشنبه آغاز می شود. راه آهن به یاوی ختم می شود که در ۴۰ کیلومتری جنوب وحدت قرار دارد. بزرگراه دوشنبه - چانک که در سال ۲۰۱۰ ساخته شد نیز بخشی از طرح یک کمربند-یک جاده است. راه آهن پنجم بورن چین در حال ساخت تونل شار-شار و پروژه اتصال شمال به جنوب در بزرگراه دوشنبه-خولوگ است که یک پیوند ضروری به بزرگراه چین-تاجیکستان است. (Klycheva, 2025: 167-169)



نمودار ۳: حجم صادرات چین به کشورهای آسیای مرکزی (۲۰۱۳-۲۰۲۳) (Jash et al, ۲۰۲۴: ۱۲)



نمودار ۴. حجم واردات چین از کشورهای آسیای مرکزی (۲۰۲۳-۲۰۱۳)

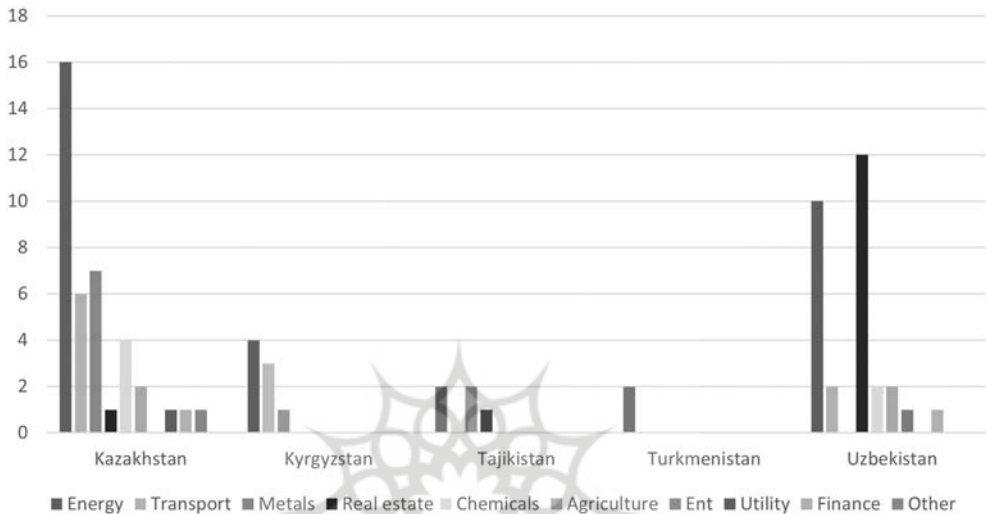
چین مقصد اصلی صادرات ترکمنستان است که ۶۶٫۵ درصد از کل صادرات به ارزش ۴٫۷۹ میلیارد دلار را در سال ۲۰۲۱ به خود اختصاص داده است. برترین محصولات وارداتی از چین به ترکمنستان واکسن، لاستیک ماشین، آهن روکش دار و لوله های آهنی به ارزش ۵۱۳ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ بوده است. طی ۲۶ سال گذشته، صادرات ترکمنستان به چین با نرخ سالانه ۲۹٫۵ درصد رشد داشته است که از ۵٫۷۹ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۴٫۷۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش داشته است. (Klycheva, 2025: 172) علاوه بر این، دو کشور چین و ازبکستان بیش از ۱۰۰ توافق نامه دوجانبه را برای تقویت همکاری ها امضاء کرده اند. ازبکستان دارای منابع طبیعی قابل توجهی به ویژه پنبه و گاز طبیعی است. این کشور پرجمعیت ترین کشور در آسیای مرکزی است و بزرگ ترین بازار مصرف را دارد. ازبکستان نقش اساسی در ابتکار «یک کمربند-یک جاده» ایفاء می کند. بیش از ۲۰۰۰ سرمایه گذاری مشترک بین ازبکستان و شرکت های چینی وجود دارد. شرکت های فناوری بزرگ چینی مانند اگزیم بانک^{۱۴}، هواوی^{۱۵} و زد تی ایی^{۱۶} در

14. Exim Bank

15. Huawei

16. ZTE

ازبکستان فعالیت می‌کنند. یکی از جدیدترین پروژه‌ها، تفاهم‌نامه راه‌آهن چین- قرقیزستان- ازبکستان است که در سپتامبر ۲۰۲۲ امضاء شد. (Silk Road Briefing, 2023: 6)



نمودار ۵. سرمایه‌گذاری‌ها و ساخت‌وسازهای ابتکار «یک کمربند-یک جاده» چین در آسیای مرکزی (Jash et al., 2024: 10)

چین یکی از شرکای تجاری بزرگ ازبکستان است. کالاهای صادراتی اولیه ازبکستان به چین شامل طلا (۳۰٫۸ درصد)، نخ پنبه خالص غیرخرده‌فروشی (۱۱ درصد)، مس تصفیه‌شده (۵٫۰۵ درصد) و نفت و گاز (۴٫۹۲ درصد) است. پنبه (۳۰٫۷ درصد)، گاز نفتی (۳۰ درصد) و مس تصفیه‌شده (۱۱٫۷ درصد) کالاهای اولیه صادراتی ازبکستان به چین هستند. تجهیزات پنخش (۳٫۸۷ درصد)، اتومبیل (۳٫۰۴ درصد) و آهن روکش‌دار (۲٫۶۵ درصد) برترین کالاهای صادرشده از چین به ازبکستان هستند. در سال ۲۰۲۱، صادرات چین به ازبکستان ۵٫۶۳ میلیارد دلار بود؛ در حالی که صادرات ازبکستان به چین ۱٫۹۴ میلیارد دلار بود. چین با ۲٫۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ازبکستان در سال ۲۰۲۱، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در این کشور است. (Klycheva, 2025: 175) در واقع، سرمایه‌گذاری و صادرات کالاهای چینی به بازار کشورهای آسیای مرکزی، نقش چین را در شکل‌گیری تحولات و معادلات تجاری آسیای مرکزی به‌طور فزاینده‌ای افزایش داده است که

این اقدامات پکن در راستای فراهم کردن بسترهای لازم برای تثبیت هژمونی منطقه‌ای چین تفسیر می‌شود. بر این اساس، چین روابط اقتصادی گسترده با کشورهای آسیای مرکزی دارد و به‌عنوان شریک اول کشورهای آسیای مرکزی محسوب می‌شود.

۳-۵. مناسبات امنیتی- دفاعی چین با آسیای مرکزی

جمهوری خلق چین را باید دومین بازیگر مهم و فعال در زمینه حوزه تحولات دفاعی و امنیتی منطقه آسیای مرکزی دانست. ملاحظات و دغدغه‌های دفاعی-امنیتی چین در این منطقه را چند موضوع اصلی تشکیل می‌دهد. نخستین و مهم‌ترین موضوع، حفظ امنیت مرز ۳۲۹۷ کیلومتری با منطقه آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) است که به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و کوهستانی و مساعد بودن برای ورود مهاجران غیرقانونی، گروه‌های تروریستی و مخالف دولت چین و باندهای مواد مخدر بسیار آسیب‌پذیر است. دومین ملاحظه امنیتی مهم چین، حفظ امنیت و ثبات در منطقه سین‌کیانگ چین است که ترک‌های اویغور ساکن آن پیوندهای نزدیک قومی، مذهبی و زبانی با ترکان آسیای مرکزی دارند. نگرانی اصلی پکن تأثیر منفی پیوندهای دو سوی مرز بر تشدید پویش‌های تجزیه‌طلبانه در منطقه سین‌کیانگ است. سومین ملاحظه امنیتی چین در منطقه آسیای مرکزی را باید تأمین امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی بسیار گسترده در آسیای مرکزی به‌ویژه در حوزه منافع انرژی دانست. از این رو، پکن با حساسیت و توجه خاصی موضوع امنیت انرژی را در آسیای مرکزی دنبال می‌کند، اما چهارمین ملاحظه مهم امنیتی چین را باید حضور نیروهای فرامنطقه‌ای به‌ویژه نیروهای آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی دانست که از دید پکن به‌عنوان بخشی از طرح گسترده محاصره استراتژیک و نظامی چین از شبه‌جزیره کره، ژاپن، تایوان تا جنوب آسیا، افغانستان و آسیای مرکزی محسوب می‌شود. مجموع این ملاحظات موجب شده چین به‌تدریج از میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی، وارد پویش‌های دفاعی و امنیتی آسیای مرکزی شود. (Kozegar Koleji, 2016: 104-105) برای نخستین بار از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تهدید حضور آمریکا در آسیای مرکزی، زمانی برای چین حالتی بسیار جدی پیدا کرد که در پی وقایع ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده به افغانستان حمله کرد. در پی این اتفاق، دولت‌های آسیای مرکزی در راستای توسعه روابط راهبردی، نظامی و اقتصادی خود با واشنگتن برآمدند، اما واکنش چین به این موضوع، واکنشی فعالانه بود؛ بدین معنا که پکن درصدد مضاعف کردن تلاش‌هایش در منطقه برآمد و این کار را از طریق تدوین توافق‌نامه‌های امنیتی دوجانبه با کشورهای منطقه و تقویت نقش سازمان

همکاری شانگهای انجام داد. راهبرد چین در این زمینه نشان دادن پکن به عنوان یک شریک امنیتی واقعی و قابل اعتماد برای دولت‌های آسیای مرکزی و در نتیجه فراهم کردن بدیلی مطمئن برای آن‌ها در مقابل توسعه همکاری‌های نظامی و امنیتی با ایالات متحده بوده است. از سال ۲۰۰۲ میلادی به بعد، چین مجموعه‌ای از قراردادهای نظامی و امنیتی را با کشورهای آسیای مرکزی امضاء کرده که شامل اعطای کمک نظامی سه میلیون دلاری به قزاقستان و قرقیزستان، قرارداد استرداد مجرمان با این دو کشور، قرارداد همکاری در مبارزه با افراط‌گرایی، تجزیه طلبی و تروریسم با ازبکستان و تاجیکستان، افتتاح «مرکز منطقه‌ای مبارزه با تروریسم» سازمان شانگهای در تاشکند و اجرای رزمایش‌های مشترک سالانه با کشورهای آسیای مرکزی با عنوان «مأموریت صلح» بوده است. (Clarke, 2013: 10)

در سپتامبر ۲۰۱۴، چین با اعطای ۱۶ میلیون دلار کمک نظامی جدید به قرقیزستان موافقت کرد. ساخت چند پادگان و اعطای کمک‌های نظامی جدید به تاجیکستان نیز از دیگر اقدامات چین بوده است. (Kucera, 2014: 6) پکن همچنین به عنوان یک تولیدکننده و صادرکننده عمده اسلحه ظاهر شده و به ازبکستان و قزاقستان خدمات ارائه می‌دهد. در مورد ترکمنستان، پکن موشک‌های زمینی، سیستم‌های دفاع هوایی قابل حمل انسان و خودروهای زرهی و گشتی را تأمین می‌کند. علاوه بر این، تاجیکستان نیز از تأمین تسلیحات پکن سود برده است. بر اساس گزارش موسسه امریکن اینترپرایز، افزایش قابل توجهی در سرمایه‌گذاری‌ها و قراردادهای چین با کشورهای آسیای مرکزی بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ وجود داشته است. (Bali And Arora, 2023: 417) هر چند مجموع این اقدامات موجب تبدیل چین به یکی از بازیگران فعال امنیتی و دفاعی در منطقه آسیای مرکزی شده است، اما نباید فراموش کرد که سطح و نفوذ چین در این منطقه فاصله بسیار زیادی با روسیه دارد. چین بر خلاف روسیه فاقد هرگونه پایگاه نظامی در آسیای مرکزی است و سطح همکاری‌های دفاعی آن با کشورهای منطقه نیز در سطح فدراسیون روسیه نیست و عمدتاً اهدافی چون مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی، تأمین امنیت مناطق مرزی به ویژه در منطقه سین‌کیانگ و تأمین امنیت انتقال انرژی را دنبال می‌کند. از سوی دیگر، با نزدیک‌تر شدن به سال ۲۰۱۴ و خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی از افغانستان، چین تلاش کرد روابط خود در حوزه نظامی و امنیتی را با کشورهای آسیای مرکزی توسعه بخشد و از این طریق، ضمن جایگزینی عناصر قدرت خود با آمریکا در منطقه، از به وجود آمدن یک خلأ امنیتی که می‌تواند منافع این کشور را در منطقه به خطر بیندازد، جلوگیری کند. این امر به ویژه

از آن جهت اهمیت می‌یابد که برای چین، همواره فقدان زیرساخت‌های نظامی آمریکا و ناتوانی در آسیای مرکزی، یک عنصر ضروری در تأمین امنیت ملی این کشور به شمار رفته است. فارغ از اقدامات عملی که به چهارچوب کلی آن اشاره شد؛ چین در تلاش است موضوع نفی حضور آمریکا در آسیای مرکزی را در چهارچوب‌های مفهومی نیز بگنجانند. در همین راستا، در جریان اجلاس سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۴، چین مفهوم «چهارچوب امنیتی جدید آسیایی» را مطرح کرد که بر اساس آن، امنیت کشورهای آسیایی توسط خود آن‌ها تأمین شود، نه توسط خارجی‌ها. (Azizi, 2016: 67-68) چین به دلایل استراتژیکی مهمی به شدت نگران محاصره استراتژیکی خود توسط آمریکا است و پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناطق مختلف اطراف قلمرو خود را تهدیدی اساسی برای امنیت و منافع خویش ارزیابی می‌کند. به‌ویژه حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی را مخالف با امنیت نظامی و منافع اقتصادی خود می‌داند بنابراین تلاش می‌کند با تقویت هر چه بیشتر سازمان شانگهای از آن به‌عنوان یک اهرم قدرت علیه نفوذ روبه‌رشد آمریکا در منطقه آسیای مرکزی استفاده کند. (Yazdani et al., 2017: 81)



نقشه ۲. پایگاه‌های نظامی آمریکا در آسیای مرکزی (Hussein And Haddad, 2021: 4)

چین همچنان سازمان همکاری شانگهای را به‌عنوان یک سازمان امنیتی منطقه‌ای مهم می‌داند که از طریق آن با سه شر افراط‌گرایی، جدایی‌طلبی و تروریسم مبارزه می‌کند.

همچنین زیر نظر سازمان همکاری شانگهای گزارش‌هایی از پاسگاه‌های ارتش آزادی‌بخش خلق در تاجیکستان و گشت‌های ضد تروریسم در منطقه مرزی افغانستان، چین و تاجیکستان گزارش شده است. هدف سازمان همکاری شانگهای حفظ ثبات منطقه‌ای و تقویت اتحاد کشورهای عضو است. (Yuan, 2023: 429) تاجیکستان به دلیل داشتن مرزهای مشترک با افغانستان دارای موقعیت جغرافیایی استراتژیک در منطقه است. این اهمیت به‌ویژه در حال حاضر با بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان مرتبط است. در این میان، کریدور واخان به دلیل دسترسی به سین‌کیانگ از افغانستان، که بین تاجیکستان، چین و پاکستان قرار دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کریدور واخان که عمدتاً با تاجیکستان هم‌مرز است؛ برای امنیت چین ضروری است. (Blank, 2019: 5) در سال ۲۰۱۶، چین یک مکانیسم چهارجانبه همکاری و هماهنگی بین تاجیکستان، پاکستان و افغانستان برای مقابله با سئیزه‌جویان اسلام‌گرا تشکیل داد. گزارش‌های متعدد نشان می‌دهد که چین در سال‌های اخیر حضور نظامی خود را افزایش داده است. در سال ۲۰۱۶، دو کشور تمرینات نظامی دوجانبه‌ای را با حضور ۱۰ هزار سرباز انجام دادند. (Jardine, 2021: 3) اگرچه به‌طور رسمی، چین ممکن است میزبان یک پایگاه نظامی در استان گورنو-بدخشان تاجیکستان باشد که مشرف به کریدور واخان است. چین بزرگ‌ترین شریک خارجی ترکمنستان است. علاوه بر این، تقریباً ۲۷ درصد از تجهیزات دفاعی نظامی از طریق چین تأمین می‌شود. (Sukhankin, 2020: 5) چین از فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی در کشورهای آسیای مرکزی برخوردار است و به‌طور فعال پروژه‌های مختلفی را در این کشورها عملیاتی کرده است، اما باید منافع روسیه در منطقه را نیز به‌ویژه از لحاظ امنیتی در نظر بگیرد؛ زیرا این روسیه است که امنیت را در آنجا از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی و همکاری‌های نظامی تأمین می‌کند. در همین حال، چین اطمینان دارد که در روابط خود با روسیه بیشترین بهره را خواهد برد و بیشتر می‌تواند دیپلماسی اقتصادی خود را به کشورهای آسیای مرکزی دیکته کند؛ زیرا سیاست امنیتی روسیه و تمایل مشترک این دو قدرت بزرگ برای ثبات در آسیای میانه، تضمین مسیر انرژی و مقابله با اسلام‌گرایان رادیکال را تسهیل می‌کند (Simbar And Rezapour, 2020: 159) و فضایی عاری از خشونت و افراط‌گرایی را برای تأمین و تضمین سیاست‌ها و اهداف منطقه‌ای مسکو و پکن فراهم می‌کند که این امر کمک شایانی به تضعیف و مهار ایالات متحده به‌عنوان رقیب منطقه‌ای آن‌ها خواهد کرد.

۴. نتیجه گیری

آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که به واسطه دارا بودن منابع و مواد خام بسیار و نیز بازار مصرف قابل ملاحظه از اولویت خاصی برای چین برخوردار است. از نقطه نظر اقتصادی، این منطقه سرشار از هیدروکربن‌ها، مواد معدنی و انرژی آبی است. چین دارای اشتراکات قومی و فرهنگی با آسیای مرکزی بوده و امید دارد تا از توسعه منابع انرژی و نیز رشد تجارت در زمینه کالاهای دیگر بهره‌مند شود. چین به‌عنوان دومین مصرف‌کننده انرژی جهان و با گسترش سریع بخش صنعتی، تا حد زیادی نگران تأمین بلندمدت نفت و گاز طبیعی برای رشد اقتصادی خود است. در حوزه‌های سیاست، امنیت و دفاع چین نیز علایق و منافع مهمی را در آسیای مرکزی تعقیب می‌کند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و تشکیل جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی، فرصت‌های جدیدی را پیش‌روی رهبران پکن گشود تا به توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی خود با جمهوری‌های آسیای مرکزی مبادرت ورزند و از این طریق منافع سابق خود را در منطقه بازبندند. اولویت نخست پکن در منطقه آسیای مرکزی، اولویت اقتصادی و تجاری و سرمایه‌گذاری در میادین نفت و گاز است. در این رابطه، منابع نفت و گاز و انرژی آسیای مرکزی بهترین جذابیت را برای اقتصاد چین در پی دارد؛ به این دلیل که برخی از کشورهای این منطقه دارای منابع انرژی هستند و در درازمدت می‌توانند منبع انرژی باثباتی برای چین باشند. بنابراین چین اقدام به حضوری گسترده در بازار انرژی آسیای مرکزی کرده که این امر ضمن دستیابی این کشور به منافع و مزیت‌های فراوان می‌تواند به گسترش قلمرو نفوذ و قدرت منطقه‌ای پکن کمک کند. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در آسیای مرکزی بر توسعه زیرساخت‌ها از طریق طرح یک کمربند-یک جاده تمرکز کرده است. دو کریدور بین‌المللی طرح «یک کمربند-یک جاده» از آسیای مرکزی می‌گذرد و چین را به خاورمیانه، آسیای جنوبی و اروپا متصل می‌کند. جدا از اهمیت اقتصادی، آسیای مرکزی از منظر امنیتی نقش مهمی برای پکن دارد. با ظهور طالبان در افغانستان، چین به مسئله امنیت مرزی علاقه‌مند شد. با این حال، به دلیل افزایش نفوذ جهانی چین، نظارت بر منطقه با توجه به نزدیکی آن به چین و روسیه بسیار مهم است. وجود ناامنی در مرزهای سین‌کیانگ و مبارزه علیه افراط‌گرایان مذهبی سبب شده روابط پکن با کشورهای آسیای مرکزی گسترش یابد و در این راستا، مقامات چین جهت تأمین امنیت منطقه‌ای و تضمین ثبات داخلی به‌ویژه مناطق غربی چین مبادرت می‌ورزند. بنابراین چین مجموعه‌ای از قراردادهای نظامی و امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی

انعقاد کرده که این قراردادها شامل اعطای کمک نظامی، فروش تسلیحات نظامی، همکاری در مبارزه با افراط‌گرایی، تجزیه‌طلبی و تروریسم و اجرای رزمایش‌های مشترک سالانه با کشورهای آسیای مرکزی است که این امر ضمن تأمین امنیت مناطق مرزی به‌ویژه منطقه سین‌کیانگ می‌تواند به تضمین امنیت انتقال انرژی به چین کمک کند. به هر حال، اگرچه چین نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در آسیای مرکزی افزایش داده است؛ در حال حاضر قدرت‌های مسلط در آسیای مرکزی آمریکا و روسیه هستند و با تسلط بر زیرساخت‌های اقتصادی منطقه بیشترین نفوذ را در کشورهای منطقه دارند و در صورتی که چین بخواهد بر ژئوپلیتیک و اقتصاد منطقه مسلط شود؛ باید توانایی تولید امنیت و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در منطقه را داشته باشد. همچنین از آنجا که سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان بازوی قدرتمندی برای اجرای سیاست‌های پکن نقش مهمی ایفاء می‌کند؛ در صورتی که چین بتواند از طریق توسعه همکاری‌های اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی از توان این سازمان در جهت تأمین امنیت منطقه و نیز حفظ ثبات داخلی خود استفاده کند؛ این کشور می‌تواند جایگاه منطقه‌ای خود و نقش سازمان همکاری شانگهای را بالا ببرد و از این طریق ضمن پیشبرد اهداف امنیتی و اقتصادی خود، به قدرت برتر آینده منطقه تبدیل شود.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- China's Belt and Road Initiative in Central Asia: Ambitions, risks, and realities* (pp. 1–92). The Norwegian Institute of International Affairs.
- The position of Central Asia in China's regional strategy. *Institute for Strategic Studies of the East*. <https://www.iess.ir/fa/analysis/2052/> [In Persian]
- China's approach to the Shanghai Cooperation Organization in light of the new foreign policy of this country (2013–2018). *Central Eurasian Studies Quarterly*, 12(2), 291–307. [In Persian]
- Goals and strategies of China's foreign policy in Central Asia. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 19(84), 1–29. [In Persian]
- China's "New Silk Road" initiative (Goals, obstacles, and challenges). *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 9(36), 9–72. [In Persian]
- Opportunities and challenges of China's economic diplomacy in Central Asia. *Iranian Journal of International Politics*, 11(21), 27–58.
- Feasibility assessment of China–Iran cooperation in Central Asia based on neorealist opinions. *Political Strategy Quarterly*, 3(8), 161–187. [In Persian]
- China and Central Asia: Regional influence and international hegemony* (1st ed., pp. 1–238). Mokhtab. [In Persian]
- Sino-Central Asia relations: Disturbance, dependency or development? *Journal of Liberty and International Affairs*, 9(2), 412–425.
- Central Asia—Twenty-five years after the breakup of the USSR. *Russian Journal of Economics*, 3(3), 296–320.
- Turkmenistan*. Congressional Research Service. <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10303>
- China's military base in Tajikistan: What does it mean? *The Central Asia-Caucasus Analyst*. <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/>

item/13569-chinas-military-base-in-tajikistan-what-does-it-mean?.html

China's oil consumption to peak by 2027, says top refiner Sinopec. *Reuters*. <https://www.reuters.com/world/china/sinopec-forecasts-chinas-petroleum-consumption-peak-by-2027-2024-12-19/>

China and Kyrgyzstan: Bilateral trade and future outlook. *China Briefing News*. <https://www.china-briefing.com/news/china-and-kyrgyzstan-bilateral-trade-and-future-outlook/>

China's strategy in "Greater Central Asia": Is Afghanistan the missing link? *Asian Affairs: An American Review*, 40(1), 1-19.

China's changing role in Central Asia and implications for US policy: From trading partner to collective goods provider. U.S.-China Economic and Security Review Commission. http://www.uscc.gov/sites/default/files/Cooley%20Testimony_3.18.15.pdf

Economic explanation of Catalonia's separatism from Spain based on the rational choice approach. *Quarterly Journal of Political and International Approaches*, 9(2), 96-122. [In Persian]

Political analysis: A critical introduction (pp. 1-314). Red Globe Press.

Infographic: US military presence around the world. *Al Jazeera*. <https://www.aljazeera.com/news/2021/9/10/infographic-us-military-presence-around-the-world-interactive>

China's regional hegemony in Central Asia and the threat balance with Russia. *Quarterly of Foreign Relations*, 15(57), 194-225.

Emerging forms of Pax Sinica in Tajikistan and Cambodia. *Foreign Policy Research Institute*. <https://www.fpri.org/article/2021/03/emerging-forms-ofpax-sinica-in-tajikistan-and-cambodia/>

China's BRI in Central Asia & its impact: An appraisal of the 10 years. *F1000Research*, 13(11), 1-16.

- Initiation of the Silk Road and China's hegemony in Central Asia. *Central Eurasian Studies Quarterly*, 14(1), 75-98. [In Persian]
- Silk Road initiative and China's energy security in Central Asia. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 114(1), 131-158. [In Persian]
- Dragon's embrace: China's growing influence in Central Asia. *The Great Power Competition*, 6(3), 153-183.
- Comparative study of China and Japan's energy security approaches in Central Asia. *Human Geography Research Quarterly*, 1(71), 123-140. [In Persian]
- Iran, Russia and China in Central Asia: Interaction and confrontation with American foreign policy* (1st ed., pp. 1-454). Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
- China boosts military aid to Kyrgyzstan, Tajikistan. *Eurasianet*. <https://eurasianet.org/china-boosts-military-aid-to-kyrgyzstan-tajikistan>
- Analysis of China's foreign policy in Central Asia using the soft power approach. *Quarterly Journal of International Policy Studies*, 2(3), 39-62. [In Persian]
- Putin and Xi extend China-Russia treaty of friendship and cooperation. <https://www.mehrnews.com/news/5246200/> [In Persian]
- Paradigm shift: From rational choice to perspective. *International Political Science Review*, 22(2), 151-172.
- China's Silk Road Economic Belt initiative: Network and influence formation in Central Asia. *Journal of Contemporary China*, 27(112), 502-518.
- The role of the Central Asian region in China's New Silk Road Economic Belt project. *Eurasian Research Journal*, 1(1), 66-81.
- China's goals and interests in Central Asia after September 11: From cooperation and neighborliness to international economic diplomacy. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 16(69), 75-88. [In Persian]

- Kyrgyzstan turns to Chinese companies for major hydropower project. *Radio Free Europe/Radio Liberty*. <https://www.rferl.org/a/kyrgyzstan-hydropower-megaproject-china/32529949.html>
- Russia and China's "Belt-Road" initiative (2013–2020). *Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, 29(121), 3–26.
- Kyrgyzstan to Uzbekistan exports up as growing trends justify the China–Kyrgyz–Uzbek Railway. <https://www.silkroadbriefing.com/news/2022/06/13/kyrgyzstan-to-uzbekistan-exports-up-as-growing-trends-justify-the-china-kyrgyzuzbek-railway/>
- Analysis of Russia's geopolitical policies towards Central Asia with an emphasis on the Chinese factor. *Quarterly Journal of Politics and International Relations*, 3(6), 137–165. [In Persian]
- Chinese national oil companies in Kazakhstan: Implications for geopolitics and energy security* (pp. 1–96). University of Amsterdam, Graduate School of Social Sciences.
- Turkmenistan — gross domestic product (GDP) 1997–2027*. <https://www.statista.com/statistics/1034327/gross-domestic-product-gdp-in-turkmenistan/>
- The security component of the BRI in Central Asia, part two: China's (para) military efforts to promote security in Tajikistan and Kyrgyzstan*. Jamestown Foundation. <https://jamestown.org/program/the-security-component-of-the-bri-in-central->
- Belt and Road Initiative in Central Asia*. Friedrich-Ebert-Stiftung (FES). https://www.ituc-csi.org/IMG/pdf/belt_and_road_initiative_in_central_asia.pdf
- China exports by country in US\$ thousand, 1995–2021*. <https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/CHN/StartYear/1995/EndYear/2021/TradeFlow/Export/Partner/BY-COUNTRY/Indicator/XPRT-TRD-VL>
- Tajikistan overview: Development news, research, data*. <https://www.worldbank.org/en/country/tajikistan>

Uzbekistan uranium. <https://world-nuclear.org/information-library/country-profiles/countries-t-z/uzbekistan.aspx>

The role of Russia and China in the transition of the international system from unipolar to multipolar. *Political Studies Quarterly*, 9(36), 65–90. [In Persian]

Forging a new security order in Eurasia: China, the SCO, and the impacts on regional governance. *Journal of Chinese Political Science Review*, 6(8), 422–439.

China looks to Turkmenistan for more gas as it cuts Australian supplies. *South China Morning Post*. <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3133084/china-looks-turkmenistan-more-gas-it-cuts-australian-supplies>

